

بسم الله الرحمن الرحيم

وصیت نامه شهید حسین شکوری

انا لله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنیان مرصوص

همانا خداوند دوست دارد کسانی را که میکشند و جنگ میکنند در راه خدا و صفوف آنان

مانند ساختمانی از سرب محکم می باشد.

به نام خداوند در هم کوبنده ظالمین و ستمگران

هر روز که از زندگی ام میگذرد بیشتر در انقلاب اسلامی غرق میشوم. خود را به خداوند نزدیکتر

احساس میکنم و هرروز، نویدی تازه برای رسیدن به کمال انسانیت است و این نوید برانگیزنده

روح مبارز در من است و به امید الله و یاری او و رهنمودهای امام امت خمینی بزرگ به مبارزه

بر علیه زور و ستم واستعمار تا ایثار جان نا قابل خودادامه خواهم داد .

پدر عزیز ؛ بدان که من جز احیای دین محمد (ص) و برقراری اسلام راستین نداشته ام و به

امید معبود و محبوب راهش وارد شده ام و تنها آرزویم این بوده است که اسلام پیروز و جهانی

شود پاداشی از خداوند خواسته ام که سعادت شهادت را نصیب من بگرداند امیدوارم به این

آرزویم رسیده باشم گرچه امروز نیستم که پیروزی را با چشم ببینم ولیکن حال که بدان فکر

میکنم پیروزی واقعی را با تمام وجودم حس می کنم چون میدانم که شهادت پیروزی حق بر باطل است .

خداوند میفرماید هرکه مرا طلب طلب کند می یابد هر که مرا یافت می شناسد و هرکه مرا شناخت دوست می دارد هرکه مرا دوست داشت به من عشق می ورزد هرکه به من عشق ورزید من نیز به او عشق می ورزم و هرکه را عاشق شد می کشمش و هرکه را کشتم خونبهای او بر من است و هرکه را که خونبهای او بر من است خود دیه و خونبهای اویم .

همسر فداکارم؛ می دانم که از رفتن من ناراحت میشوی اما باید این را بدانی که تو تنها زنی نیستی که همسرش را از دست داده است با رفتن من مسوولیت تو سنگین تر میشود و بار زندگی را باید به تنهایی بدوش بکشی . خواهشی از تو دارم و آن این است که دیگر آنکه تو برای دیگران در صبر و استقامت نمونه و الگو باشی و فرزندانم را به همان راهی که من و تو میل داشتیم، در آن حرکت کنند و آنها را هدایت کنی و راه راست را از رهنمود های ولی فقیه، به یاری خداوند سرچشمه حقیقت را یافته و در آن مسیر به سوی کمال راه پیمائید.

همسر عزیزم؛ این را بدان که زندگی کردن در این دنیا چیزی جز یک امتحان نیست و کسی از این امتحان پیروز و سربلند بیرون خواهد آمد که راهی و هدفی جز الله نداشته باشد . از تو میخواهم که برایم دعا کنی و از خداوند بخواهی که مرا جزو شهدای راهش محسوب بدارد انشالله .

هرچه از وسایل زندگی و یا احتمالاً پولی از من به جای مانده بعد از دادن خمس و زکات آن از آن همسرم می باشد و هر طور که می خواهد می تواند راجع به آنها تصمیم بگیرد. البته با مشورت پدرم از فرزندانم نگهداری و پرورش آنها بعهدہ همسرم باشد و آنها را در همان راهی که من آرزو داشتم یعنی راه اسلام راستین و روحانیت آگاه و مبارز و مستضعفین قرار دهد. مرا در گورستان بهشت زهرا(س) در کنار دیگر همزمانم با لباس سپاه که به آن همیشه افتخار میکردم خاکم کنید .

السلام علیکم و رحمته الله و برکاته .

حسین شکوری